

Legal Civilization
Vol. 5, No. 13, Winter 2023
Pages: 509-534
Article Type: Original Research
http://www.pzhfars.ir/article_162887.html
doi: 10.22034/LC.2023.162887



تمدن حقوقی
دوره ۵، شماره ۱۳، زمستان ۱۴۰۱
صفحات: ۵۳۴-۵۰۹
نوع مقاله: علمی پژوهشی

Southern Criminology

جرم‌شناسی جنوب

Zahra Vahabi

PhD student in criminal law and criminology, translator and university lecturer (Corresponding translator)

Rostam Ali Akbari

PhD in Criminal Law and Criminology, Lecturer at Bakhtar Ilam University, Ilam, Iran

زهرا واهی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مترجم و مدرس دانشگاه (مترجم مسئول)
zahravahabi@yahoo.com

رستم علی اکبری

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه باخر ایلام، ایلام، ایران
rostamaliakbari.phd@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0002-2916-5613>

Abstract

Important implications for South/North relations and for global security and justice. Having a theoretical framework capable of appreciating the significance of this global dynamic will contribute to criminology being able to better understand the challenges of the present and the future. We employ southern theory in a reflexive (and not a reductive) way to elucidate the power relations embedded in the hierarchal production of criminological knowledge that privileges theories, assumptions and methods based largely on empirical specificities of the global North. Our purpose is not to dismiss the conceptual and empirical advances in criminology, but to more usefully decolonize and democratize the toolbox of available criminological concepts, theories and methods. As a way of illustrating how southern criminology might usefully contribute to better informed responses to global justice and security, this article examines three distinct projects that could be developed under such a rubric. These include, firstly, certain forms and patterns of crime specific to the global periphery; secondly, the distinctive patterns of gender and crime in the global south shaped by diverse cultural, social, religious and political factors and lastly the distinctive historical and contemporary penalties of the global south and their historical links with colonialism and empire building.

Keywords: Southern Theory, Southern Criminology, Metropolitan Thinking, Criminological Theory, the Global Periphery, Knowledge/Power.

چکیده



ساختارهای اساسی مرتبط با تحقیقات جرم‌شناسی و تعیین محدوده اهمیت سیاست مرتبط با کشورهای فقیر و کشورهای غنی پیامدهای فراوانی را بر امنیت و عدالت جهانی دارد. داشتن یک چهارچوب نظری توانمند و اهمیت این پویایی جهانی به جرم‌شناسی کمک می‌کند تا بتواند چالش‌های حال و آینده را بهتر درک کند. ما تئوری جنوب را به شیوه‌ای واکنشی (و نه تقلیلی) به کار می‌گیریم تا روابط قدرت نهفته در تولید سلسله‌مراتبی دانش جرم‌شناسی را که به نظریه‌ها امتیاز می‌دهد، روشن کنیم. مفروضات و روش‌هایی که عمدتاً بر اساس ویژگی‌های تجربی کشورهای غنی است. هدف ما نادیده گرفتن پیشرفت‌های مفهومی و تجربی در جرم‌شناسی نیست، بلکه هدف ما این است که به طور مفیدتر از ابزار مفاهیم، نظریه‌ها و روش‌های جرم‌شناسی موجود، استعمارزایی و دموکراتیزه کنیم. به‌عنوان راهی برای نشان دادن این که جرم‌شناسی جنوب می‌تواند به طور مفید به پاسخ‌های آگاهانه‌تر به عدالت و امنیت جهانی کمک کند، این مقاله به بررسی سه پروژه مجزا می‌پردازد که می‌توانند تحت چنین عنوانی توسعه یابند. این‌ها در ابتدا شامل اشکال و الگوهای خاصی از جرم و جنایت‌های خاص در سراسر جهان است. در گام دوم، الگوهای متمایز جنسیت و جنایت در جنوب جهانی (کشورهای فقیر) که توسط عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی شکل می‌گیرد و در نهایت مجازات‌های متمایز تاریخی و معاصر جنوب جهانی و پیوندهای تاریخی آن‌ها با استعمار و امپراطورسازی شکل گرفته است.

واژگان کلیدی: نظریه جنوب، جرم‌شناسی جنوب، تفکر کلاشهری، نظریه جرم‌شناسی، جهان پیرامون، دانش/قدرت.

Received: 2022/10/26 - Review: 2023/01/28 - Accepted: 2023/02/27

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

مقاله حاضر ترجمه مقاله Southern Criminology از Kerry Carrington, Russell Hogg and Máximo Sozzo است که در نشریه British Journal of Criminology در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است.

<p>ارجاع: کاربنگتون، کری؛ هوگ، راسل؛ سوزو، ماگزیمو؛ (۱۴۰۱)، جرم‌شناسی جنوب، ترجمه زهرا وهبی و رستم علی اکبری؛ تمدن حقوقی، شماره ۱۳.</p>
<p>Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p>  <p>CC BY-NC-SA</p>


مقدمه

راوین کانل در نظریه جنوبی، تأثیر اختلافات جهانی در قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را بر تولید دانش تحلیل کرد. او استدلال کرد که بر اساس تجربه تعداد کمی از جوامع در کشورهای غنی، در علوم اجتماعی موفق شده است خود را به‌عنوان جهانی، فراتر از زمان و یا مکان نشان دهد و به طور گسترده پذیرفته شود. کانل به صورت ویژه به جامعه‌شناسی توجه داشت، اما همان‌طور که نشان خواهیم داد، استدلال او با قدرت یکسانی در مورد جرم‌شناسی کاربرد دارد، اگرچه ما نمی‌خواهیم بر اساس گزارشی بیش از حد تقلیل‌دهنده از این اثر دانش/قدرت بسازیم. بر این اساس، ما مواردی را برای توسعه جرم‌شناسی فراملی ترسیم می‌کنیم که شامل تجربیات و دیدگاه‌های کشورهای فقیر است روش‌ها و مفاهیمی را اتخاذ می‌کند که شکاف‌های جهانی را پر می‌کند و دموکراتیک کردن تولید دانش را به‌عنوان یک آرمان سیاسی دربرمی‌گیرد. مهم‌تر از همه، در طرح استدلال برای جرم‌شناسی جنوب، هدف ما این نیست که به سادگی یک کاندید دیگر را به فهرست در حال گسترش جرم‌شناسی‌های جدید اضافه کنیم و در نتیجه به آنچه که بسیاری به‌عنوان تکه تکه شدن فزاینده این رشته می‌دانند کمک کنیم (Hoyle and Bosworth, 2011, 3).

جرم‌شناسی جنوب یک پروژه سیاسی و همچنین یک پروژه نظری و تجربی است که اکنون در تلاش برای توضیح آن هستیم. تمایز شمال و جنوب به شکاف بین کلانشهرهای اروپای غربی و امریکای شمالی از یک سو و کشورهای امریکای لاتین، آفریقا، آسیا و اقیانوسیه از سوی دیگر اشاره دارد، در هر دو تولید دانش جهانی پیرامون، در ابتدا به‌عنوان یک معدن داده برای نظریه متروپولیتن به‌عنوان نمونه‌هایی از جوامع

ابتدایی، قبیله‌ای یا پیش مدرن مورد استفاده قرار گرفت. پس از آن، گرایش غالب این بوده است که نظریه ایجاد شده در شمال جهانی (کشورهای غنی) به پیرامون (کشورهای دیگر) گسترش یابد (Connell, 2015, 51) و وظیفه اساسی آن به اعمال نظریه وارداتی در مسائل اجتماعی محلی به منظور تولید یافته‌های تجربی واگذار شده است. ارتباط عموماً به تنظیمات محلی محدود می‌شود. این فرایند معرفت‌شناختی هژمونی نظریه شمالی را تقویت کرد و در عین حال ایده‌ها و نظریه‌هایی را که ریشه در تاریخ و تجربه جوامع جنوب داشت، نادیده گرفت یا کنار گذاشت.

بنابراین «جنوب» به شکاف‌های جغرافیایی در جهان اشاره می‌کند، اما همچنین به‌عنوان استعاره‌ای برای روابط قدرت نهفته در «روابط پیرامونی مرکز در قلمرو دانش» استفاده می‌شود (Connell, 2007). فرض بیان نشده علوم اجتماعی کلانشهرها این بود که همه جوامع در صورت مدرن شدن موفق، ناگزیر به پیروی از الگوی جوامع مدرن شمال جهانی (کشورهای غنی) بودند و بر اساس این منطق، پدیده‌های اجتماعی و جرم‌شناختی در جهان پیرامونی، اگر واقعا وجود داشته باشد، از دیدگاه تحقق (ناقص) نظریه‌ها و قوانین جهانی توسعه ناشی از «جوامع مدرن» شمال جهانی مورد بررسی قرار گیرد. کانال استدلال می‌کرد که این استراتژی نظری «خوانش‌هایی از مرکز» تولید می‌کند که ادعاهای دانش جهانی را مطرح می‌کند، اما در بازتاب ویژگی‌های ژئوپلیتیکی آن‌ها ناکام است (Connell, 2007, 4). او پیشنهاد کرد که مشکل، کمبود ایده‌های پیرامونی نیست بلکه کمبود شناخت و انتشار است این نوع نظریه که کانال آن را تفکر متروپولیتن (کلانشهری) می‌نامد، همچنین در مفهوم‌سازی خون‌ریزی، تخریب روابط اجتماعی و خلع مالکیت در ایجاد دنیای کنونی که در آن زندگی می‌کنیم ناکام است (Connell, 2007, 215) یعنی این واقعیت تاریخی است که تسخیر و استعمار از همان ابتدا سازنده مدرنیته سرمایه داری غربی بود.

هدف جرم‌شناسی جنوب اصلاح این حذفیات با افزودن دیدگاه‌های جدید و متنوع به برنامه‌های تحقیقات جرم‌شناسی است تا آن‌ها را فراگیرتر و متناسب با دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، بسازد. نکته مهم این است که ما از برداشت کانال از نظریه جنوب به صورت غیرانتقادی استفاده نمی‌کنیم. صرف جایگزینی نظریه شهری با نظریه جنوبی خطر تبدیل شدن به یک تمرین تقلیل‌دهنده را دارد که شمال‌گرایی را ضروری و مضحک می‌سازد، درحالی‌که تولید دانش در جنوب جهانی را دست نیافتنی می‌کند. درحالی‌که ما با شمالی بودن مفروضات جرم‌شناسی مخالفت می‌کنیم، سعی می‌کنیم از تقلیل‌گرایی که مشخصه برخی از نقدهای گسترده پسااستعماری علوم اجتماعی است، با بیان مبانی نظری

جرم‌شناسی جنوب به‌عنوان یک پروژه رهایی بخش (رستگاری) اجتناب کنیم. در این معنا، هدف ما از پروژه پسااستعماری نافرمانی و شورش معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی متمایز می‌شود، جایی که رستگاری نه یک امکان مفهومی یا سیاسی است (Mignolo, 2008). در عوض، ما از نظریه جنوب به شیوه‌ای بازتابی برای روشن کردن روابط نهفته در تولید سلسله‌مراتبی دانش جرم‌شناسی استفاده می‌کنیم که به نظریه‌ها، مفروضات و روش‌های مبتنی بر ویژگی‌های تجربی شمال جهانی (کشورهای غنی) امتیاز می‌دهد. هدف ما نادیده گرفتن پیشرفت‌های مفهومی و تجربی نیست که جرم‌شناسی در طول قرن گذشته عمدتاً بر اساس خوانش‌های مراکز کلانشهر شمالی ایجاد کرده است، بلکه هدف ما این است که به طور مفیدتر ابزار مفاهیم، نظریه‌های جرم‌شناسی موجود را استعمار زدایی و دموکراتیک کنیم.

۱- مبانی نظری جرم‌شناسی جنوب

جایی که جرم‌شناسی به‌عنوان رشته‌ای در علوم اجتماعی در جنوب جهانی به خوبی تثبیت شده است، تمایل به استقراض و تطبیق مفروضات شهری دارد (Carrington, 2015). در نتیجه، جرم‌شناسی‌های جنوب به ادغام عمودی گرایش پیدا کرده‌اند و نقش فرعی خود را در سازمان جهانی دانش، به قیمت همکاری افقی می‌پذیرند. این امر رشد فکری و حیات جرم‌شناسی را چه در جنوب و چه در سطح جهانی متوقف کرده است. همچنین نادیده انگاشتن نسبی مسائل جرم‌شناسی را که هم شمال و هم جنوب تحت تأثیر قرار می‌دهند، تداوم بخشیده است. در سایر نقاط جنوب، جرم‌شناسی هنوز به‌عنوان یک رشته به خوبی تثبیت نشده است، اگرچه در آسیا در حال توسعه است، با تأسیس انجمن جرم‌شناسی آسیایی و مجله آن اگر بخواهد جرم‌شناسی جنوب با تمام تنوع بالقوه اش شکوفا شود، باید سلطه معرفت‌شناختی اندیشه کلانشهری را به چالش بکشد. جرم‌شناسی جنوب به اندازه مجموعه‌ای از پروژه‌های بازیابی، شکل دیگری از مخالفت را ارائه نمی‌دهد. هدف آن نکوهش نیست، بلکه جهت‌دهی مجدد است، نه مخالفت، بلکه اصلاح، نه جابجایی، بلکه تقویت (نیز مدنظر است). این در درجه اول به تحلیل دقیق شبکه‌ها و تعاملات مرتبط با جنوب و شمال می‌پردازد که توسط هژمونی شهری بر اندیشه جرم‌شناسی پنهان شده است، می‌پردازد. تفکر متروپولیتن (کلانشهری) یک مفهوم کلی است که مجموعه‌ای از گرایش‌ها را در برمی‌گیرد، تا مجموعه‌ای از نظریه‌های متمایز و یا یکسان. هدف ما در زیر برای نشان دادن این که چگونه تفکر کلانشهری کانون جرم‌شناختی را شکل داده است، ترغیب به بازتاب انتقادی در مورد پویایی استعمار و هژمونیک در نظریه جرم‌شناسی است.

مهم‌ترین فرضیات کلانشهری شامل مورد زیر است: بسیاری از تحقیقات در جرم‌شناسی سطح بالایی از صلح داخلی را که به‌عنوان یک سیستم دولت ملت با ثبات فرض می‌شود، مسلم می‌دانند. این امر منجر به مبهم شدن صلح در نقش تاریخی خشونت دولت در ملت‌سازی، گسترش استعمار در سراسر جنوب جهانی و غفلت از پدیده‌های خشونت‌آمیز معاصر مانند درگیری‌های مسلحانه، برخورد با مواد مخدر و پاکسازی قومی شده است که بیشتر در کشورهای جنوب جهانی رایج‌تر است (Hogg, 2002) و (Braithwaite, 2013). به‌عنوان تلاشی در زمان صلح، بسیاری از تحقیقات جرم‌شناسی بر عدالت به‌عنوان پروژه‌ای داخلی محدود به منافع محلی یا ملی با نادیده گرفتن شکل‌ها و روندهای اصلی تاریخی و معاصر در عدالت کیفری متمرکز شده است (Barbarett, 2014, 16) خارج از مراکز شهری نیم کره شمالی، این‌ها شامل شیوه‌های کیفری استعماری مانند استفاده از حمل و نقل کیفری به‌عنوان ابزار قدرت امپراتوری (Shaw, 1966) و (Forster, 1996)، تجربیات جنایت و قربانی شدن در زمینه‌های پسااستعماری جنوب جهانی است که منجر به این شده است. به نرخ بسیار بالای زندانی شدن و جرم‌انگاری بومیان شده است و اسلامی کردن عدالت کیفری معاصر که در بخش‌هایی از جنوب جهانی رخ می‌دهد (Carrington, 2015) و (Mir-Hosseini, 2011) و (Khan, 2004). تمرکز بر دولت همچنین منجر به عدم توجه به اشکال جایگزین عدالت، حل تعارض و مجازات فراتر از دولت، مانند اشکال مرسوم حل اختلاف یا جنبش‌های عدالت انتقالی که در بسیاری از مناطق جنوب جهانی وجود دارد، شده است.

نظریه‌های مدرن‌سازی در علوم اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی مانند جرم و جنایت را به‌عنوان اختلال در فرایندهای صنعتی شدن تصور می‌کردند و این منجر به این فرض در جرم‌شناسی شد که جرم در درجه اول یک پدیده شهری است. این فرض ممکن است تأثیر صنعتی شدن قرن نوزدهم را بر روابط اجتماعی در شمال جهانی نشان دهد، اما تأثیر سرمایه داری صنعتی از روزهای اولیه آن بر بازسازی روستاها را نادیده می‌گیرد و تحقیقات در مورد ویژگی متمایز جرم در روستاها و منطقه را به حاشیه می‌برد. نکته‌ای که در ذیل به آن باز می‌گردیم. تمرکز بیشتر جرم‌شناسی دولت ملت، تا همین اواخر، منجر به غفلت نسبی از پیامدهای جنایات بدون مرز و فراملی مانند جرایم زیست محیطی، جرایم الکترونیکی و جرایم سایبری شده است. با این حال، سنت رو به رشدی از جرم‌شناسی سبز وجود دارد که تلاش می‌کند این غفلت را اصلاح کند (Brisman et al, 2015) و (White, 2013) و (Walters, 2013) و علاقه جدیدی به تحقیق در مورد جرایم فضای سایبری نشان می‌دهد. به‌رغم علاقه فزاینده آن به جرایم سایبری و جرایم علیه محیط

زیست، جرم‌شناسی به‌عنوان یک رشته توجه کمی به آسیب‌های زیست محیطی و شرکتهای جهانی که بروز و تأثیرات آن در جنوب جهانی (کشوهای فقیر) بیشتر است، مانند موارد مرتبط با آسیب‌های استخراج منابع، تغییرات آب و هوایی و اقتصاد، معطوف می‌کند (Laslett, 2014). در جایی که جهانی شدن کانون نظریه پردازی جرم‌شناسی بوده است، به آسانی گسترش ساده روندهای شمالی (مانند مجازات نئولیبرالی) را در سراسر جهان فرض کرده است و نتوانسته است عدالت را در مورد تنوع جهانی در منابع و مسیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاست کیفری رعایت کند.

ما در زیر در تحلیل خود از عدم تطابق بین تئوری مجازات نئولیبرالی و شیوه‌های مجازات در امریکای لاتین، این گرایش را در جرم‌شناسی گسترش می‌دهیم. ما قدردانی می‌کنیم که برخی از رویکردهای جرم‌شناسی به دنبال مقابله با جرم‌شناسی تاریخی، سیاسی، ایدئولوژیک، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خصوصیات فمینیستی و انتقادی جرم‌شناسی بوده‌اند. درحالی‌که این رویکردها تا حدودی به سمت پویایی جهانی شدن و استعمار پیش می‌روند حتی دیدگاه‌های انتقادی همچنان بر مشکلاتی متمرکز شده‌اند که جرم، خشونت و جرم‌انگاری برای مراکز شهری نیمکره شمالی ایجاد می‌کند. این به این معنی نیست که این تحلیل‌ها نادرست هستند، بلکه صرفاً در امتیاز دادن به مراجع تجربی و مفاهیم نظری برگرفته از ویژگی‌های سیاسی مراکز کلانشهری شمال جهانی (کشورهای غنی) گزینشی هستند. توسعه جرم‌شناسی جنوب به طور ناگهانی روابط دانش/قدرت را که علم اجتماعی را به طور خاص شکل داده‌اند، از بین نمی‌برد اما ممکن است هدف مفیدی برای اصلاح آن‌ها به روش‌های سازنده باشد. ما به طور خلاصه سه حوزه تحقیق را بیان می‌کنیم که پتانسیل جرم‌شناسی جنوب را برای فراتر رفتن از مفروضات ذکر شده در بالا را نشان می‌دهد. با این حال بهتر است ابتدا تمایز شمال/جنوب را بیشتر باز کنیم.

۲- شمال جهانی و جنوب جهانی

استدلال ما نسبت به دسته بندی‌های دوگانه و تفکر دوتایی محتاط است، حتی اگر به نظر برعکس باشد. تقسیم بین شمال و جنوب کاربردهای خود را دارد، اما فقط تا زمانی که از این استعاره استفاده کنیم تا آنچه را که به همان اندازه که آشکار می‌کند، مبهم می‌کند. جنوبی همچنین استعاره‌ای از دیگری، نامرئی، فرعی، حاشیه‌ای و طرد شده است. این همان چیزی است که ما در صحبت از چیزی به نام جرم‌شناسی جنوب پیشنهاد می‌کنیم. تقسیم جهان معاصر به شمال و جنوب تقریباً به روش‌های قدیمی‌تر (اما هنوز رایج) صحبت در مورد شکاف‌های جهانی و روابط اجتماعی جهانی نزدیک است. این دوتایی‌های آشنا

همگی صراحتاً به ایده‌های جانشینی زمانی امتیاز می‌دهند: جهان‌های توسعه یافته و در حال توسعه، صنعتی و صنعتی اول و دوم و جهان سوم. به عبارت دیگر، شمال جهانی معیار هنجاری (مقصد توسعه) را تعیین می‌کند که بقیه جهان به طور طبیعی آرزوی رسیدن به آن را دارند. این نشانه تفکر کلاشهری است. دیدگاه خطی، پانورامیک، وحدت بخش و مدرنیستی شمال جهانی را در نظر می‌گیرد که در آن فضا و تفاوت سیاسی در روایت امپراتوری زمان پاک می‌شود. در این جهان بینی، تسلط جهانی اقیانوس اطلس شمالی نه از تسخیر سایر نقاط جهان، بلکه از تقدم تاریخی ناشی می‌شود.

جنوب ممکن است به یک منطقه جغرافیایی اشاره کند در غیر این صورت منعکس کننده شکاف‌های جهانی آشنا باشد، اما نکته اصلی این است که هیچ شمال جهانی وجود ندارد که محصول تعاملات چند قرنی بین مناطق و فرهنگ‌های سراسر جهان نباشد دنیای مدرن تحت سلطه کشورهای اقیانوس اطلس شمالی از ابتدا جهانی بود. به عنوان مثال، به جهانی شدن قبلی فناوری‌ها (مانند چاپ و باروت) و دانش انباشته شده از فرهنگ‌های مختلف در طول قرن‌ها در ریاضیات و فلسفه، به عنوان مثال که در آن دستاوردهای اسلامی و آسیایی از اهمیت محوری برخوردار بودند بستگی داشت. بدون اشاره به دسترسی به زمین، مواد خام، تکنیک‌های تولید و نیروی کار (از جمله کار برده) در بسیاری از بخش‌های جهان غیرغربی جرم‌شناسی جنوب به دنبال وارد کردن این رویدادها و روابط، به تاریخ و تحلیل معاصر است. عنصر گم‌شده در این جا سلطنت است. البته، سلطنت به عنوان یک واقعیت پذیرفته می‌شود، اما همیشه به عنوان یک اصل سازمان‌دهی تحلیل نقشی ندارد. در طول چندین قرن، اما با رسیدن به اوج خود در قرن نوزدهم، کشورهای امپراتوری اروپایی مناطق وسیعی از قاره‌های امریکا، آفریقا، خاورمیانه، آسیا و اقیانوس آرام را مستعمره کردند (Beckert, 2014) و (Gregory, 2004).

در اوج قدرت امپریالیستی غرب، آن‌ها تا حدی توده زمین جهانی را تحت کنترل داشتند، جوامع مهاجر سفید پوست را در سرزمین‌های خارجی ایجاد کردند، مرزهای استعماری را بر مرزهای قومی، قبیله‌ای قرار دادند، مواد خام را استخراج کردند و نیروی کار را استثمار کردند و همچنین باز کردن مسیرهای تجاری به سمت غرب را شکل دادند (Beckert, 2014) و (Gregory, 2004). در نیمه دوم قرن بیستم، جنوب جهانی دستخوش موجی از استعمارزدایی شد، اما بسیاری از این جوامع همچنان با میراث استعمار، مداخله و کنترل غرب دست به گریبان هستند. حل نشدنی‌ترین درگیری‌های خشونت‌آمیز در جهان امروز (در آفریقا، خاورمیانه و جنوب آسیا) متعلق به این دوره تاریخی است. سایر جوامع جنوب

(کشورهای امریکای لاتین، استرالیا، نیوزیلند و اسرائیل) حداقل از یک جنبه حیاتی به عنوان کشورهای مهاجرنشین استعماری باقی می ماندند. این ها جوامع پسااستعماری هستند که ادعای حاکمیت و استقلال ملی آن ها بر اساس فرهنگ و هویت سیاسی جمعیت مهاجران اروپایی و نه ساکنان بومی مستعمره آن ها است. تا زمان گذار به حکومت اکثریت در اوایل دهه ۱۹۹۰، آفریقای جنوبی نیز در این فهرست گنجانده شده بود؛ مانند آفریقای جنوبی، این جوامع مهاجر همگی دارای تاریخچه طولانی جداسازی و طردنژادی هستند میراث معاصر در وضعیت اسفبار مردم بومی منعکس شده است که شامل سطوح شدید فقر، فرهنگ ها و جوامع از هم گسسته، سطوح بالای خشونت و درگیری، امید به زندگی پایین و حضور بیش از حد گسترده در سیستم عدالت کیفری می باشد (World Bank, 2011).

برای پیچیده تر کردن این تصویر، کشورهای شمال جهانی مانند ایالات متحده امریکا و کانادا نیز این ویژگی ها را به عنوان جوامع مستعمره نشین مشترک دارند. اقتصاد مزارع جنوبی ایالات متحده امریکا تا زمان جنگ داخلی بر اساس برده داری و یک قرن بعد از آن به شکلی وحشیانه از جداسازی نژادی استوار بود. از این رو، ایده جنوب این واقعیت را دربرمی گیرد که مناطقی از جنوب در شمال و تنش های حل نشده شمال و جنوب در بسیاری از جوامع وجود دارد. تغییر توازن اخیر رشد اقتصادی و قدرت جهانی از شمال به جنوب به کشورهایی مانند برزیل، از اهمیت کمتری برخوردار نیست. روسیه، هند، چین و دیگران (به اصطلاح بریکس)، میلیون ها نفر را از فقر خارج کرده و طبقه متوسط رو به رشدی را در این کشورها ایجاد می کنند بنابراین نابرابری بین شمال و جنوب کاهش می یابد.

شکاف دیجیتال جهانی با سرعت بیشتری در حال بسته شدن است، جهان را کوچک می کند، فرصت های اقتصادی را برای بسیاری در کشورهای فقیر افزایش می دهد و مقیاس و سرعت حرکت سرمایه، ایده ها، کالاها، خدمات و مردم در سراسر جهان را تشدید می کند. مهاجرت و سفرهای جهانی نیز در مقیاسی رو به رشد، جنوب را به شمال وارد می کند. با این حال، در سطح کلان، تفاوت های زیادی بین شمال و جنوب در ثروت، درآمد و دسترسی به آموزش، مراقبت های بهداشتی، غذا و سرپناه کافی، نهادهای سیاسی مؤثر و محیط های زندگی امن و مطمئن و نابرابری ها باقی مانده است و در بسیاری از جوامع جنوب و همچنین شمال در حال افزایش است. فقر شدید در جنوب متمرکز است و ۱/۲ میلیارد نفر هنوز با ۱/۲۵ دلار یا کمتر در روز زندگی می کنند. سایر مشکلات جدی تخریب محیط زیست، تغییرات آب و هوایی، جابجایی انسان، درگیری منابع، قاچاق انسان، جنایت سازمان یافته، فساد، تروریسم و بحران

مالی تأثیر متقابلی بر فقر و درگیری‌های اجتماعی در فقیرترین نقاط جهان دارند. در دنیایی که در سطح جهانی به هم متصل است، تأثیرات جانبی بسیار زیاد و گسترده احساس می‌شود. به طور خلاصه، مسائل مربوط به تحقیقات جرم‌شناسی حیاتی و اهمیت سیاست در جنوب جهانی به وفور یافت می‌شود که پیامدهای مهمی برای روابط جنوب/شمال و مسائل مربوط به امنیت و عدالت جهانی دارد. این موضوعات همچنین برای اشکال نظریه پردازی جرم‌شناسی که ممکن است به درک بهتر چالش‌های حال و آینده کمک کند، اهمیت دارد. در ادامه چندین مورد از این موضوعات را به صورت عمیق‌تر بررسی می‌کنیم.

۳- جنایت در خارج از کلانشهرها؛ خشونت‌های بی‌پایان

تضاد آشکاری بین خشونت‌های مختلف در شمال و جنوب وجود دارد که بر نزدیک شدن جرم‌شناسی بسیاری از کلانشهرها تأکید می‌کند. علاوه بر فقر و محرومیت‌های متعدد، خشونت سازمان یافته در همه اشکال و مظاهر آن نیز به شدت در جنوب جهانی متمرکز است. بانک جهانی تخمین می‌زند که از هر چهار نفر روی کره زمین، یک نفر، یعنی بیش از ۱/۵ میلیارد، در کشورهای شکننده و متأثر از درگیری یا در کشورهایی با سطوح بسیار بالای خشونت جنایی زندگی می‌کنند. حتی با کاهش وقوع جنگ‌های بین دولتی و جنگ‌های داخلی از دهه ۱۹۹۰، سایر اشکال خشونت جنایی در مقیاس بزرگ و چرخه‌های خشونت تکراری (جنگ‌های مواد مخدر، خشونت سیاسی و سطوح بالای جنایات خشونت آمیز) افزایش یافت. این شرایط دیگر به راحتی با پارادایم‌های قرن بیستم سازگار نیست. نمی‌توان آن را به‌عنوان جنگ یا صلح توصیف کرد (World Bank, 2011, 2).

بسیاری از کشورها (از جمله آفریقای جنوبی و جمهوری‌های امریکای مرکزی) در رابطه با درگیری‌های سیاسی پیشرفت کرده‌اند تا همچنان درگیر سطوح بالای خشونت جنایی باشند. به‌عنوان مثال، نرخ قتل در امریکای لاتین عبارت است از بالاترین نرخ در جهان، بیش از سه برابر بیشتر از نرخ قتل در منطقه اروپا (Briceno-Leon et al, 2008, 752). خشونت و جنایات سازمان یافته ارتباط تنگاتنگی با مشکلات دیگر از جمله حکومت، فقر و تخریب محیط زیست دارد. فعالیت‌های جنایی سودآور مانند قاچاق مواد مخدر جنبش‌های سیاسی و مقامات دولتی فاسد را تأمین مالی می‌کنند مانند مکزیک. کشورهایی که چنین خشونت‌هایی را تجربه می‌کنند نیز به احتمال زیاد در رسیدگی به سطوح بالای فقر و نابرابری خود از دیگران عقب‌تر هستند (World Bank, 2010, 2011). امروزه، مانند گذشته، بسیاری از این مشکلات نه صرفاً توسط نیروهایی از درون (این ایده که جرم محلی است) بلکه با الگوی روابط

گسترده‌تری که کشورها در درون آن قرار دارند، مشروط می‌شوند. در جهانی به هم پیوسته اثرات جانبی خشونت نیز به طور فزاینده‌ای بر مرزهای ملی سرازیر می‌شود و درگیری و بی‌ثباتی را به کشورهای همسایه و به طور فزاینده‌ای در کشورهای دورتر گسترش می‌دهد.

سنت‌های غالب در جرم‌شناسی عمدتاً از علاقه به این گونه اشکال خشونت و درگیری اجتناب می‌کردند. سنت‌های پوزیتیویستی فردگرا و جامعه‌شناختی که بر پایه‌های تحقیقات اجتماعی عملی قرن نوزدهم، علوم پزشکی و آمار اخلاقی توسعه یافتند، بافت شهری جوامع را به‌عنوان آزمایشگاه طبیعی تحقیق و نظریه جرم‌شناسی تلقی می‌کردند (Levin and Lindesmith, 1937). یک نگرانی اصلی مربوط به اثرات مخرب مهاجرت و شهرنشینی بر الگوهای سنتی کنترل اجتماعی در جوامع عمدتاً کشاورزی بود. جابجایی انبوه مردم (در داخل و خارج از مرزهای ملی) از روستا به شهر به‌عنوان منبع اصلی بی‌سازمانی اجتماعی، جوامع از هم گسیخته، تضادهای فرهنگی و آسیب‌شناسی‌های بی‌شمار مرتبط با زندگی شهری (باندها، جنایات سازمان یافته، مستی و جرایم جنسی) دیده می‌شود. بی‌بند و باری، خودکشی و غیره که نیازمند قدرت‌ها و نهادهای عدالت کیفری گسترده و اقداماتی مانند بشردوستی سازمان یافته، مددکاری اجتماعی و پاکسازی محله‌های فقیرنشین است (Baldwin and Bottoms, 1976). در این نظریه‌ها و برنامه‌های تحقیقاتی، روستاها سنتی و عمدتاً به‌عنوان فضایی باقیمانده و به طور طبیعی منسجم دیده می‌شدند که جدا از منظومه‌ای از شهرهای ترسناک و مملو از جنایات است. اگرچه در واقعیت در کشورهای شمال، این بیشتر به جای تحقیق واقعی فرض می‌شد (Bottoms, 1994, 648) نقش پدرسالاری و کنترل اجتماعی اجباری در حفظ روابط اجتماعی منسجم و سلسله‌مراتبی در روستا نیز به طور کلی نادیده گرفته شد (Alston, 1995) و (Carrington and Scott, 2008).

این مفروضات تفکر کلانشهری عمدتاً به صورت غیرانتقادی، هم در شمال و هم در جنوب پذیرفته شد، جایی که جرم‌شناسی توانست ریشه‌های نهادی و آکادمیک را ایجاد کند. بنابراین، این یک جرم‌شناسی بود که حل مسئله جنگ اجتماعی هابز را بر اساس نسخه خود او برای ایجاد دولت‌های سرزمینی مستقل (با مکمل بعدی حقوق مدنی و سیاسی لیبرال) پیش فرض می‌گرفت (Hobbes, 1651, 1968). جرم‌شناسی با بدیهی دانستن سطح بالایی از صلح داخلی، به‌عنوان شرط وجود آن، به ندرت به این موضوع پرداخته است که چگونه این شرایط در موقعیت‌های مختلف تاریخی و ژئوپلیتیکی ایجاد شده است یا نه. چگونه دولت‌ها ساخته شدند، چگونه حکومت آن‌ها (از طریق نهادهای

عدالت و غیره) اعمال شد و چگونگی دامنه قدرت آن‌ها به جهان‌های جدید گسترش یافت، بررسی نشد. در عوض، جرم‌شناسی تا حد زیادی توجه خود را به بزهکاری‌های نسبتاً جزئی که صلح داخلی دولت‌های لیبرال باثبات را مختل می‌کرد (عمدتاً بدون تهدید جدی آن‌ها)، به اندازه‌گیری کارآمدتر این مشکلات (آمار جنایات، بررسی‌ها و موارد مشابه) محدود می‌کرد. پالایش ابزارهای پلیسی، کنترل، مجازات و رفتار با افراد و گروه‌هایی (عمدتاً فقیر، جوان و حاشیه‌نشین) که تخلف کردند (Garland, 2001).

از دیدگاه جنوبی، این به سادگی نقش تاریخی دولت‌ها و جهت واقعی حرکت افراد، نهادها و ایده‌هایی را که در شکل‌دهی جوامع جنوب به مدار نظم امپراطوری اروپا نقش داشته‌اند، نادیده گرفت. این واقعیت نادیده گرفته شد که سرمایه‌داری اروپایی از همان ابتدا درگیر دگرگونی بود (تغییر جنوب به شمال در مفهوم کشورهای فقیر و غنی) که اغلب خشونت‌آمیز بود. از نقطه نظر پیرامونی استعماری، این بافت داخلی شهری نبود که محل اولیه تغییرات اجتماعی است. حاشیه در شهرها، دارای آثار سنگین یک سیستم فراگیر جهان است که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف قابل ملاحظه است. از جمله موارد دیگر تبعید بردگان آفریقایی حدود به مزارع در دریای کارائیب، بخش‌هایی از امریکای لاتین و ایالت‌های جنوبی ایالت متحده آمریکا؛ اتکای شدید به دیگر رژیم‌های کار اجباری از جمله کار محکومان و سیستم‌های کار غیرمجاز مانند آنچه که برای ساکنان جزایر اقیانوس آرام در مزارع شمال کوئینزلند وجود داشت، سلب مالکیت از زمین‌های مردم بومی؛ سرکوب خشونت‌آمیز و جرم‌انگاری مخالفت و غیرصنعتی ساختن داخلی و اقتصادهای اخلاقی محلی در جنوب برای خدمت به خواسته‌های سرمایه‌داران کلانشهرها برای مواد خام و عرضه انبوه نیروی کار ارزان قیمت قابل شناسایی است (Beckert, 2014)).

پیشرفت سرمایه‌داری صنعتی در کلانشهرها در قرن نوزدهم با گسترش و تشدید سرمایه‌داری جنگی تحت حمایت دولت در حاشیه فعالیت نمود. به طور مشابه، امروزه جهان‌های همگن شده به همراه خشونت با بازارهای مواد مخدر، اسلحه و مداخله سیاسی در اشکال جدید به هم مرتبط شده‌اند. جنگ‌های مرگبار مواد مخدر امریکای لاتین به‌عنوان مثال، به دلیل تقاضای شمال (کشورهای غنی) برای مواد مخدر غیرقانونی و تجارت با کشورهای امریکای جنوبی در زمینه سلاح ادامه دارد (Grillo, 2014). جرم‌شناسی کلانشهرها بر بافت شهری کشورهای در حال صنعتی شدن متمرکز بود، اما مسئله در بسیاری از کشورهای مستعمره نشین (استرالیا که نمونه کلاسیک است) اساساً مدیریت مهاجرت مردم از مناطق روستایی به شهرهای نوپا نبود، بلکه مسئله مربوط به مدیریت مهاجرت مردم از روستاها به شهرهای نوپا بود. اما

چگونگی پر کردن روستاها با ساکنان سفیدپوست و مقابله با مقاومت ساکنان فعلی آن در برابر سلب مالکیت فیزیکی و فرهنگی آن‌ها چالش اصلی بود (Goodall, 1996) و (Reynolds, 1989) درگیری‌ها و تنش‌های ناشی از آن به دور از منافع تاریخی صرف هستند. تأثیر سلب مالکیت گذشته، خشونت مرزی، جداسازی و کنترل‌های اداری استبدادی تحت قوانین حفاظت و رفاه، تلاش‌های هماهنگ برای تخریب فرهنگی (از هم پاشیدن خانواده‌ها و حذف کودکان)، رسیدن به زمان حال و تأثیر نامطلوب بر سلامت بومیان و رفاه به روش‌های بی‌شمار است. آن‌ها در تعداد مردم و جوامع بومی، به‌ویژه در مناطق روستایی و دورافتاده استرالیا که با فقر ریشه دار، سطوح شدید خشونت خانوادگی، جمعی و تماس روزانه گسترده با سیستم عدالت کیفری زندگی می‌کنند، منعکس می‌شوند مانند بومیان و گروه ویژه زنان جزیره تنگه تورس. برخی از محققان پیشنهاد کرده‌اند که مقایسه با شرایط زندگی دولت‌های شکست خورده و جهان سوم خیالی نیست. این تجربه یکی از انواع الگوئی است که در سایر جوامع مهاجر در قاره امریکا و جاهای دیگر تکرار شده است (Perry, 1996) و (World Bank, 2010).

این مشکلات همچنین به دلیل تأثیرات تغییرات اقتصادی و اجتماعی جهانی معاصر بر مناطق روستایی و دورافتاده که بر افراد غیربومی و همچنین افراد بومی می‌گذارد، همچنان ادامه دارد. به‌عنوان حاشیه‌ای‌ترین بخش از جمعیت محلی با قوی‌ترین پیوندها با جوامع بومی متحمل شدیدترین تأثیرات می‌شوند، اما بسیاری از نیروهای مورد بحث محرک تغییرات جمعیتی و کاهش فرصت‌های اقتصادی و دسترسی به بهداشت، آموزش و سایر خدماتی می‌شوند که تأثیر می‌گذارد. حضور همیشه شکننده سفیدپوستان بیشتر شده است. در بسیاری از مکان‌ها، همچنین اثرات تشدیدکننده تعارضات متعدد مرتبط با یکدیگر بر سر مالکیت زمین (ادعای مالکیت بومی)، بر سر کاربری زمین و تخریب محیط زیست و تأثیرات تغییرات آب و هوا وجود دارد (Cleary, 2014). همه این عوامل باعث تشدید تقسیمات موجود (به‌عنوان مثال در مورد نژاد)، اشخاص (در مورد جنسیت) و معرفی موارد جدید در میان کشاورزان، معدن کاران و دوست داران محیط زیست شده است (White, 2013).

مجموعه فزاینده‌ای از تحقیقات جرم‌شناسی در مورد نیروهای تاریخی و معاصر که وضعیت اجتماعی روستاها را دگرگون می‌کنند، در حال انجام است. هم سطوح بالای جرم و جنایت (به‌ویژه خشونت) و هم واکنش‌های بسیار متفاوت به آن را نشان می‌دهد (Donnermeyer and DeKeseredy, 2013) و (Barclay et al, 2007) و (Hogg and Carrington, 2006). در استرالیا، نرخ خشونت به طور متوسط در جوامع منطقه‌ای و

روستایی به طور قابل توجهی بالاتر از شهرها است. سطوح بالای خشونت در جوامع بومی غیرقابل انکار است، اما نشان دادن این مشکل به عنوان یک مشکل صرفاً بومی، این واقعیت را پنهان می‌کند که سطوح غیرمتناسب بالایی از خشونت در جمعیت‌های روستایی سفیدپوست وجود دارد. وسوسه بیرونی نشان دادن مشکلات اجتماعی به منظور حفظ تصاویر آرمانی از انسجام روستایی، ویژگی تکرار شونده گفتمان عمومی پیرامون جرم و جنایت در بسیاری از جوامع روستایی است. خشونت پنهان، به ویژه خشونت جنسی و خشونت خانگی، در فرهنگ انکار، از چنین تصاویری به بهای رفاه قربانیان و حق آن‌ها برای زندگی بدون ترس تهدید محافظت می‌کند (Hogg and Carrington, 2006).

نگاه‌گزینی مردمی، رسمی و جرم‌شناسانه که بر جنایات محرومان اجتماعی می‌نشیند خشونت و آسیب را در جاهای دیگر نادیده می‌گیرد یا عادی می‌سازد. در حال حاضر، روستاهای جهانی در سراسر شمال و جنوب (از جمله در برخی از فقیرترین کشورهای جهان) به دست یک بخش منابع جهانی شده در حال تغییر است. دسترسی به منابع طبیعی (زغال سنگ، سنگ آهن، نفت و غیره) برای پاسخگویی به تقاضای انفجاری ناشی از صنعتی شدن سریع چین، هند و سایر کشورهای آسیایی صورت می‌گیرد (World Bank, 2011). کشورها و مناطق فقیر و درگیر مقابله در جنوب جهانی با نهادهای سیاسی ضعیف به ویژه در برابر شرکت‌های قدرتمندی که به دنبال به حداکثر رساندن سود کوتاه‌مدت بدون توجه به پیامدهای بلندمدت هستند، آسیب پذیر هستند. فساد، خشونت، سلب مالکیت از مالکان، تخریب محیط زیست و انحراف منابع عمومی کیمیا امری عادی است و اثرات مضر خود را تقویت می‌کند. به جای پایگاه منابع غنی آن‌ها که منافع را برای شهروندان عادی به ارمغان می‌آورد، فقر، سلامت کم، شرایط زندگی ضعیف و درگیری مداوم یافته و اغلب شدید را به همراه دارد (Ruggerio and South, 2013, 13) و (Green and Ward, 2004). حتی استرالیا نیز نتوانسته است از برخی از اثرات مخرب زیست محیطی، اجتماعی و جرم‌شناسی ناشی از منابع صنعت جهانی برای بهره‌برداری از منابع غنی خود بگریزد. اگر دولت‌های باثبات، مرفه و دموکراتیک نتوانند از فساد، روابط دوستانه، انحرافات اقتصادی و سایر نشانه‌های تخریب منابع اجتناب کنند، ما فقط می‌توانیم آسیب‌پذیری دولت‌های فقیر و شکننده را که با شرکت‌های جهانی مقابله می‌کنند، بررسی کنیم.

۴- جنایت و بزه دیدگی جنسیتی در جنوب جهانی

توسعه جرم‌شناسی فمینیستی، جنسیت را در مرکز و نه در حاشیه نظریه پردازی و تحقیقات جرم‌شناسی قرار داد. با این حال، جرم‌شناسی با ارتقاء و بازتولید اشکال خاصی از تفکر کلانشهری، گرایش به انعکاس

موارد مربوط به این رشته وجود داشت. اشکال خاص تئوری فمینیستی که تفاوت جنسی را به عنوان یک مقوله مرکزی همگن کننده از تحلیل ارتقاء می یابد منجر به محدود شدن نگاه فمینیستی به روابط و ساختارهای قدرت جنسیتی محلی، مانند پدرسالاری شد. دانشمندان رنگین پوست فمینیستی استدلال می کردند که وقتی زنان به عنوان یک مقوله جهانی، انتزاع شده از ویژگی های خاص تجارب متنوع زنان در طول زمان، طبقه، مکان، تاریخ، مذهب، اقتصاد، فرهنگ و ژئوپلیتیک قرار می گیرند، زنان خارج از ساختارهای هنجاری فمینیستی مستعمره می شوند (Mohanty, 1984, 335). جرم شناسان فمینیست حداقل تا همین اواخر تمایل داشتند نگاه انتقادی خود را عمدتاً به مسائل داخلی عدالت کیفری محدود کنند. با توجه به این که محققان فمینیست توجه انتقادی خود را بر نامرئی شدن زنان به عنوان قربانیان و رفتار ناعادلانه توسط سیستم های عدالت مردانه مبتنی بر دولت متمرکز کردند، این مهم را باید ستود.

اما نظریه ای که منحصراً بر جنسیت استوار است و همیشه برای توضیح این که چگونه زنان رنگین پوست، زنان روستایی، زنان بومی و زنان از پیش زمینه های فقیرانه به طور منحصر به فردی در معرض پلیس، جرم انگاری و زندان هستند، کافی نبوده است (Potter, 2015) و (Carlen, 1983). بسیاری از این زنان در خارج از کلانشهرها قرار دارند. تنها با ادغام مجموعه ای از ارتباطات متقابل که موقعیت اجتماعی، نژاد، قومیت، مکان و جنسیت را در بر می گیرد، می توان حضور بیش از حد مزمن گروه های خاصی از زنان در سیستم های عدالت کیفری را درک کرد (Carlen, 1999). متقاطع بودن به عنوان پادزهر نظری برای کلانشهرگرایی فمینیسم مطرح شده است. از این رو، یک جرم شناسی فمینیستی فراملی که رویکردی متقاطع را اتخاذ می کند، پیشرفت قابل توجهی در چهارچوب های فمینیستی ذات گرایانه است که به مفهوم تک فرهنگی و فراتاریخی از جنسیت امتیاز می دهد. همان طور که هنه و توشینسکی اشاره می کنند، متقاطع بودن یک مفهوم اصلاحی است. آن ها همچنین نسبت به خالی کردن آن از اهمیت پسااستعماری و ژئوپلیتیکی آن هشدار می دهند. در حالی که جرم شناسی فمینیستی راه درازی را پیموده است، برخی استدلال می کنند که هنوز باید بین المللی شود و نگاه خود را به خارج از مرزهای دولت ملت برای بررسی نابرابری های جهانی و تجارب جنسیتی استعمار بیندازد (Barbarett, 2014, 16) و گسترش برنامه های تحقیقاتی خود را به گونه ای که الگوهای متفاوت جنسیتی جنایت و خشونت را که در سراسر جهان رخ می دهد، در برگیرد (Carrington, 2015, 2).

از دهه ۱۹۶۰، با بین المللی شدن فزاینده، اقتصاد شاهد مهاجرت گسترده جمعیت های استعماری سابق

به اروپا و امریکا با هدف شناسایی فرصت‌های اقتصادی و پاسخگویی به تقاضای نیروی کار ارزان بوده است. عملیات تولیدی نیز از شمال به جنوب در جستجوی نیروی کار ارزان، اغلب در کشورهایی با رژیم‌های سیاسی ناپایدار، سطوح پایین اتحادیه، قوانین کار ضعیف و بیکاری بالا نقل مکان کرده‌اند. تغییرات جمعیتی جهانی منجر به ادغام انبوه زنان از جنوب جهانی به مشاغل خانگی، صنایع فراوری صادراتی و صنایع کارگری شده است (Mohanty, 2000, 206). این زمینه جغرافیایی اقتصادی یکی از بزرگ‌ترین جنایات حل نشده (یا مجموعه‌ای از جنایات) زن کشتی در زمان‌های اخیر است. بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۰، حدود هشتصد و هفتاد و هشت زن در شهر خوارز مکزیک کشته شدند (Arsenault, 2011). در دهه ۱۹۹۰، هزاران شغل در کارخانه‌هایی که در آن جا مستقر بودند، پس از ایجاد توافقنامه تجارت آزاد امریکای شمالی در دسترس قرار گرفت. برای دو دهه، سیستم عدالت کیفی مکزیک نتوانست به اندازه کافی قتل کارگران کارخانه را بررسی کند، بسیاری از بومی‌های هندی تبار که از مناطق روستایی فقیر مکزیک برای جستجوی شغل مهاجرت کرده بودند (Livingston, 2004, 60) سفر آن‌ها به محل کار و بازگشت آن‌ها (اغلب در شب) در شهری که شرکت‌های تجاری مواد مخدر با مصونیت از مجازات و فساد گسترده عمل می‌کردند، آن‌ها را به اهدافی بسیار آسیب پذیر برای شکارچیان جنسی تبدیل کرد. درحالی که جهانی شدن فرصت‌هایی را برای این زنان روستایی فقیر باز کرد تا به دنبال معیاری از استقلال اقتصادی باشند (Thayer, 2010) همچنین آن‌ها را در معرض استثمار و خشونت قرار داد. آن‌ها به‌عنوان افراد خارجی، به‌عنوان زنان عمومی که مشروب می‌نوشیدند کار می‌کردند و مانند مردان معاشرت می‌کردند و با ننگ روسپیگری همسو بودند، انگ می‌خوردند. قربانیان به خاطر سرنوشت خود سرزنش شدند و توجه عمومی را از مقامات فاسد دولتی، سرپیچی پلیس از انجام وظیفه، شرکت‌های تجاری مواد مخدر و صاحبان کارخانه‌های همدست منحرف کردند (Wright, 2005).

در یک دوره طولانی در جاهای دیگر در جنوب جهانی، الگوی بسیار متفاوتی از خشونت جنسی توسط زنان تجربه شد. زن در قوانین اسلامی قرن‌ها به‌عنوان رابطه جنسی خارج از ازدواج تعریف شده است (Mir-Hosseini, 2011). در جایی که این قانون خاص اسلامی اجرا می‌شود، می‌تواند منجر به مجازات یکصد ضربه شلاق یا حتی مرگ با سنگسار در صورت وجود زنا شود (Khan, 2004, 660). این جنایات سنتی اسلامی در قرن هشتم جهان اسلام برای نظم بخشیدن به امور جنسی، هرزگی و فحشا ظهور کردند، در زمانی که حکومت مردسالار بر زنان و بردگان یک واقعیت اجتماعی از پیش تعیین شده بود. در طی قرن‌های

میانی، برده داری لغو شد و قوانین زنا تقریباً در تمام کشورها و جوامع مسلمان از نظر قانونی منسوخ شد. این مهم در دهه ۱۹۷۰ تغییر کرد. بنیادگرایی اسلامی قوانین زنا را در اکثریت کشورهای مسلمان لیبی، سودان، اندونزی، فلسطین، الجزایر، سومالی، ایران، پاکستان، عراق، بخش‌هایی از سوریه، یمن، افغانستان، نیجریه و مالزی احیاء کرد (Mir-Hosseini, 2011, 7). خان که مطالعه‌ای در مورد زنانی که به خاطر جرایم زنا در پاکستان مجازات می‌شوند، انجام داد، استدلال می‌کند که احیای قوانین زینا^۱ در قرن بیستم یک موضوع فمینیستی فراملیتی است که نگرانی‌های مهم و جهانی را در پی خود دارد (Khan, 2003, 68).

یک پژوهش فمینیستی نوظهور در دین اسلام با تفاسیری از قوانین اسلامی که برای توجیه احیای جنایات زینا استفاده می‌شود، مورد بحث قرار گرفته است (Mir-Hosseini, 2011) و (Rahat, 2005). آن‌ها خاطر نشان می‌کنند که احیای جنایات زینا مبتنی بر تفسیرهای مردسالارانه از قوانین شریعت است که به سیاست‌های جنسیتی واپسگرایانه منجر شده است که پیامدهای مخربی برای زنان مانند کدهای لباس اجباری، تفکیک جنسیتی و احیای مدل‌های قدیمی مردسالاری و قبیله‌ای قدیمی و الگوهای روابط اجتماعی دارد (Mir-Hosseini, 2011, 12). بنیادگرایی اسلامی (مانند دیگر بنیادگرایی‌های معاصر) پدیده‌ای مدرن است، واکنشی به شرایط مدرن که آگاهانه عناصر انتخاب شده با دقت گذشته را با پروژه‌های سیاسی کنونی که هیچ چیز سنتی در مورد آن‌ها ندارد، را در هم می‌آمیزد (Ruthven, 2004, 17).

از این رو، اشکال و تأثیرات خاص خشونت و تبعیض سیستمی که توسط زنان تجربه می‌شود، در جایی که قوانین ظالمانه اسلامی، رابطه جنسی توافقی بزرگسالان خارج از ازدواج را جرم‌انگاری می‌کنند، پروژه مهمی برای جرم‌شناسی جنوب است. همچنین بسیاری از فمینیست‌های شمال جهانی می‌توانند از مبارزات زنان در جنوب جهانی برای عدالت بیاموزند. یکی از نمونه‌ها توسعه ایستگاه‌های پلیس فقط برای زنان به‌عنوان روشی مؤثر، هرچند ناقص، برای مبارزه با خشونت علیه زنان است (Hautzinger, 2010). برای اولین بار در سال ۱۹۸۵ در برزیل تأسیس شد. ایستگاه‌های پلیس که فقط مربوط به زنان است در سرتاسر آمریکای لاتین گسترش یافته‌اند. آن‌ها منحصراً با زنان قربانی خشونت جنسی و خانوادگی سروکار دارند. ارزیابی‌ها نشان داده‌اند که تمایل زنان به گزارش‌دهی را افزایش می‌دهند، احتمال محکومیت را افزایش می‌دهند و دسترسی به طیفی از خدمات دیگر مانند مشاوره، بهداشت، حمایت حقوقی، مالی و اجتماعی را افزایش می‌دهند (UN Women, 2011, 1). گرچه اثر بخشی آن‌ها به طیفی از عوامل محلی

1- Zina

بستگی دارد (Hauztinger, 2010)، موفقیت کلی منجر به معرفی آن‌ها در سایر نقاط جهان از جمله هند، فیلیپین، سیرالئون، آفریقای جنوبی و اوگاندا شده است.

۵- مجازات، کیفر و جرم‌شناسی جنوب

مسیرها و پویایی‌های توسعه کیفری مدرن از دهه ۱۹۷۰ مورد توجه مجموعه‌ای از پژوهش‌های جرم‌شناسی بوده است که بیشتر آن تحت تأثیر کار فوکو و احیاء و تجدیدنظر نظریه پردازی جامعه‌شناختی کلاسیک پیرامون مجازات قرار گرفته است (Garland, 1990). در تعمیم تجارب معین در کلانشهرها (ظهور ندامتگاه در قرن نوزدهم و گسترش جهانی معاصر ایده‌های کیفری نئولیبرال) این پژوهش با یک الگوی آشنا (شمال) مطابقت دارد. یک حذف قابل توجه که به دلیل تمرکز تاریخی خاص این اثر قابل توجه‌تر است، به ارتباط بین مجازات و استعمار و چگونگی تأثیر آن‌ها بر درک معاصر از اعمال کیفری مربوط می‌شود. کشور سلطنتی بار دیگر یک رشته ارتباطی مهم در رابطه بین اعمال کیفری در شمال و جنوب است.

مارک براون استدلال کرده است که اگر بخواهیم اعمال کیفری استعماری را در نظر بگیریم، مفاهیم موجود از حوزه کیفری باید گسترش یابد (Brown, 2014, 192). گسترشی که او پیشنهاد می‌کند فقط ماهیت جغرافیایی ندارد، بلکه باید روش‌های پیچیده، در حال تغییر و احتمالی را نیز دربرگیرد که در آن شیوه‌های کیفری با اشکال حکومت استعماری مطابق با شرایط محلی، در کشورهایی مانند هند، به‌عنوان مثال که کانون توجه است، بیان می‌شود. تمرکز تحقیقات او جدای از نحوه بیان حکومت استعماری و اعمال کیفری در محیط‌های استعماری، مجازات به‌عنوان ابزاری برای نمایش قدرت و فرهنگ سلطنتی در سراسر جهان بود. تبعید کیفری و تأسیس مستعمرات محکومین در جنوب جهانی یکی از مؤلفه‌های حیاتی حکومت داری قدرت‌های امپریالیستی مدرن بود. برای بیش از سه قرن تا پایان یافتن آن در اوایل قرن بیستم، برای مجازات داخلی و استعماری بریتانیا بسیار مهم بود. تبعید به مستعمرات استرالیا مهم‌ترین و نه تنها پروژه کیفری بود. سایر کشورهای امپراتوری سلطنتی اروپایی نیز از تبعید به‌عنوان یک اقدام کیفری استفاده کردند، البته نه در مقیاس بریتانیا (Christopher, 2010). تبعید در ادبیات جرم‌شناسی در مورد مدرنیسم کیفری مورد توجه کمی قرار گرفته است.

نادیده گرفتن یا نوشتن همراه با واقعیت آن از تاریخ مدرنیسم کیفری نه تنها نقش آن را در شکل دادن به جوامعی که به‌عنوان مستعمره‌های کیفری تأسیس و یا توسعه یافته‌اند، بلکه تأثیرات قابل توجهی که بر تحولات کیفری کلانشهرها داشته است را نادیده می‌گیرد. همچنین ریشه‌شناسی، مجازات مدرن را از تجربیات و

تاریخ‌های دیگری که سازنده مدرنیته جهانی هستند، جدا می‌کند. استعمار، محصور کردن و سلب مالکیت، مهاجرت و کار اجباری در اشکال گوناگون. در زمان‌های اخیر، ایده‌ها و شیوه‌های عدالت ترمیمی در جنوب توسعه یافته‌اند که به‌ویژه از مائوری نیوزلند و دیگر اشکال بومی حل اختلاف استفاده می‌شود. در سایر بخش‌های جنوب جهانی، از جمله آفریقای جنوبی، امریکای لاتین، تیمور شرقی، سنت‌های مشابه (اغلب بومی) نهادها و فرایندهای جدید عدالت (کمیسون‌های حقیقت و آشتی و سایر مکانیسم‌های عدالت انتقالی) برای حمایت از انتقال از سلطه استعماری یا دیکتاتوری نظامی به دموکراسی، برای رسیدگی به نقض فاحش حقوق بشر در گذشته و محافظت در برابر شیوع درگیری‌های خشونت‌آمیز در آینده ایجاد شد.

این ابتکارات که اغلب ریشه در پیرامون آن دارند، راه‌های کاملاً جدیدی را برای نگرستن به جهان و چگونگی پیگیری مبارزه برای عدالت و دموکراسی نشان می‌دهند. جان بریثویت^۲ با دست و پنجه نرم کردن با چنین پرسش‌هایی در افغانستان جنگ زده نشانه‌های امیدوارکننده‌ای را برای ایجاد صلح و دموکراسی در برخی از شیوه‌های عدالت محلی سنتی موجود شناسایی کرده است. او این نکته کلی را بیان می‌کند که جرم‌شناسان باید بخشی از بحث در مورد مسیر دموکراسی باشند که از پیرامون (حاشیه) جامعه نه از مرکز شروع می‌شود (Braithwaite, 2015, 203). او در جای دیگری اشاره می‌کند که سایر جوامع آسیایی، آن‌هایی که در شرق هستند، عموماً در پیشگیری از جرم و جنایت موفق بوده‌اند (حتی زمانی که با میراث استعمار، چالش‌های مدرنیزاسیون و مبارزه با فقر گسترده دست و پنجه نرم می‌کنند) و بنابراین ممکن است درس‌های مرتبطی برای شمال موفق به گسترش جرم‌شناسی زیادی شود اما در زمینه پیشگیری از جرم از موفقیت کمتری برخوردار هستند، ارائه دهند (Braithwaite, 2015).

در سال‌های اخیر، تئوری نئولیبرال در مورد مجازات یک روش پذیرفته شده در مورد چرخش کیفی در عدالت کیفی بوده است. با این حال، این تئوری مبتنی بر تجارب خاص شمال جهانی در درجه اول تجربه ایالت متحده آمریکا از دهه ۱۹۷۰ است. پروژه‌ای که توسط نخبگان فراملی به طور فزاینده‌ای طراحی و توسعه یافته است که شخصیت دولت را در حوزه مداخلات اقتصادی، اجتماعی و کیفی به طور اساسی تغییر داده است که استدلال می‌کند آنچه برای عدالت کیفی در ابتدا در ایالات متحده آمریکا اتفاق افتاد به‌عنوان پروژه سیاسی نئولیبرالی که با آن در ارتباط است در سراسر جهان گسترش یافت. او نمونه‌هایی از شمال جهانی، به‌ویژه از اروپا (بریتانیا و فرانسه) ارائه می‌کند تا از استدلال خود

2- John Braithwaite

حمایت کند، اگرچه در جدیدترین ساختارش به پیچیدگی بیشتر این فرایند اذعان می‌کند. با این حال، این تئوری به مجازات در کشورهای جنوب جهانی، به‌ویژه در امریکای لاتین نیز تعمیم داده شده است. نئولیبرالیسم در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در امریکای جنوبی در دوران‌ها و زمینه‌های مختلف و با اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مختلف دولتی ترویج شد. اصلاحات نئولیبرال در هر دو دولت دیکتاتوری و دموکراتیک رخ داد که از رهبری سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول پیروی کرد. به طور همزمان، یک چرخش تنبیهی نیز وجود داشته است، همان‌طور که در کلمبیا و برزیل با میزان زندانی شدن اندازه‌گیری می‌شود. با این حال، این بدان معنا نیست که در چنین مواردی، همان‌طور که نمونه آرژانتین نشان می‌دهد، می‌توان رابطه بین نفوذ نئولیبرالیسم و این چرخش تنبیهی را ساده یا خودکار در نظر گرفت. در آغاز دهه ۱۹۹۰، اصلاحات نئولیبرال تحت عنوان منمیسم^۳ با رشد معتدل برخی از شاخص‌های مجازات، با وضعیت خاصی همراه شد. این مهم در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ تغییر کرد، زمانی که پوپولیسم کیفی از بحران مشروعیت در زمینه سیاسی شدن شدید جنایت پدید آمد. در مورد آرژانتین، پس از یک گرایش قوی به سمت افزایش مجازات از اواسط دهه ۱۹۹۰، میزان حبس در طول فرایند تغییر سیاسی کمرشیرست^۴ که در سال ۲۰۰۳ آغاز شد، همچنان افزایش یافت، اما به میزان بسیار پایین‌تری اتفاقی مشابه از سال ۲۰۰۵ در اروگوئه اتفاق افتاده است.

علاوه بر این، موارد ملی دیگری نیز در منطقه وجود دارد که در آن‌ها حضور همزمان اصلاحات با الهام از اصول نئولیبرالی و چرخش تنبیهی، حداقل از نظر میزان زندانی شدن مشهود نیست. در ونزوئلا در طول دهه ۱۹۹۰ یا بولیوی بین اواسط ۱۹۹۰ و اواسط سال ۲۰۰۰ استفاده از تئوری مجازات نئولیبرال برای توصیف و تبیین کیفی موجود در این منطقه از جنوب جهانی نیز توسط یک عنصر حیاتی دیگر مختل شده است. در چندین زمینه ملی از اواخر دهه ۱۹۹۰، تغییرات سیاسی شاهد ظهور ائتلاف برنامه‌های سیاسی بوده است که هویت خود را حول محور پسا لیبرال بودن ساخته‌اند و سطوح مختلف رادیکالیسم و ارتباط با سنت‌های محلی چپ را منعکس می‌کنند. در ونزوئلا از سال ۱۹۹۹، به بعد و برزیل و آرژانتین از سال ۲۰۰۳، اروگوئه از سال ۲۰۰۵، بولیوی از سال ۲۰۰۶ و اکوادور از سال ۲۰۰۷.

البته بین این دولت‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. اما در همه آن‌ها، تحقیق‌های مهمی مانند گسترش

3- Menemism
4- Kirchnerist

سیاست‌های اجتماعی، تقویت مداخله دولت در بازار، عدم همسویی با امریکا در روابط بین‌الملل و ملی‌سازی خدمات عمومی سابقاً خصوصی‌سازی شده وجود دارد. در برخی از این کشورها، اخیراً چرخش تنبیهی شدیدی رخ داده است، حداقل با شاخص نرخ زندان که در بولیوی یا حتی به طرز چشمگیری در ونزوئلا اندازه‌گیری می‌شود و در موارد دیگر، روند تنبیهی فرایندهای که در گذشته نزدیک مشاهده شد، ادامه یافته است، مانند برزیل. بنابراین، نمی‌توان تصور کرد که روندهای اخیر به سمت افزایش مجازات در این سناریوها صرفاً پیامد نئولیبرالیسم است و آن‌ها را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از یک پروژه سیاسی یکنواخت و فراملی تلقی کرد. پیوند بین این تجارب دولتی و مجازات پیچیده‌تر است. این مثال‌ها نه تنها توجه را به نقش فرایندها و پویایی‌های دیگر جلب می‌کند که نمی‌توان آن‌ها را تحت عنوان نئولیبرالیسم قرار داد، بلکه نیاز به رویکرد انتقادی‌تر به این مفهوم را که نئولیبرالیسم یک پروژه سیاسی فراملی با ویژگی یکسان است، را برجسته می‌کند (O'Malley, 2014).

این کاوش مختصر در روندهای کیفی در جنوب جهانی، مانند نمونه‌های قبلی ما، بازنگری ریشه‌ای در استدلال‌های جرم‌شناسی مبتنی بر تجربیات شمال جهانی را برمی‌انگیزد. جرم‌شناسی کلانشهرها به راحتی از تأثیر نئولیبرالیسم در جوامع خود به سایر نقاط جهان تعمیم داده است. جهانی‌سازی اغلب به‌عنوان غربی‌سازی یا گسترش ساده تعهد نئولیبرالی به بازارهای آزاد، دولت کوچک و مجازات‌های سخت در سراسر جهان توصیف می‌شود. چنین ساده‌سازی نمی‌تواند تنوع جهانی را در منابع و مسیرهای نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر سیاست‌ها، شیوه‌ها و تحولات کیفی، از جمله تنوع در خود ایالات متحده امریکا، رعایت کند.

نتیجه

در بحث جرم‌شناسی جنوب، هدف ما اضافه کردن به فهرست رو به رشد جرم‌شناسی‌های جدید نیست. ما جرم‌شناسی جنوب را به جای تکه تکه کردن بیشتر این حوزه، به‌عنوان یک پروژه نظری، تجربی و سیاسی می‌بینیم که هدف آن از بین بردن شکاف‌های جهانی و دموکراتیزه کردن معرفت‌شناسی از طریق همسطح کردن عدم تعادل قدرت است که دانش تولید شده در مراکز کلانشهرهای شمال جهانی، به‌ویژه مراکز واقع در دنیای انگلیسی به‌عنوان یک پروژه تجربی، به دنبال اصلاح زمینه جرم‌شناسی است تا الگوهای جرم، عدالت و امنیت خارج از مرزهای شمال جهانی را شامل شود. ما این بحث را با تشریح اجمالی چندین پروژه احتمالی جرم‌شناسی جنوب توضیح دادیم. هدف ما دو چیز بود. اول، برای برجسته کردن برخی از اشکال و الگوهای متمایز جرم و گرایش‌ها در اجرای عدالت کیفی در جنوب جهانی که اساساً

نظریه جرم‌شناسی را که از تجربه شمالی تعمیم می‌یابد منتفی می‌کند. ثانیاً، برای نشان دادن این که شمال و جنوب در سطح جهانی به روش‌ها و تأثیرات تاریخی و معاصر به هم مرتبط هستند که مستلزم گنجاندن آن در برنامه‌های تحقیقات جرم‌شناسی، نظری و سیاستی است. جرم‌شناسی جنوب همچنین یک پروژه نظری است که به دنبال تنظیم نظری تفسیر و بازیابی تاریخچه‌های ریشه دار در استعمار است تا بتواند به طور مفیدتر الگوهای متفاوت جنایت، خشونت و عدالت را که خارج از کلانشهرها و تأثیرات قدرت آن‌ها رخ می‌دهد را توضیح دهد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- Aas, F. 2012, *The Earth Is One by the World Is Not: Criminological Theory and Its Geopolitical Divisions*, *Theoretical Criminology*, 16.
- Aboriginal & Torres Strait Islander Women's Task Force on Violence. 2000, *Aboriginal & Torres Strait Islander Women's Task Force on Violence Report*. Queensland Government.
- Alston, M. 1995, *Women on the land*. University of NSW Press.
- Al-Yaman, F., Van Doeland, M. and Wallis, M. 2006, *Family Violence among Aboriginal and Torres Strait Islander Communities*.
- Arsenault, C. 2011, In Juarez, *Women Just Disappear: Al Jazeera Visits the Border City Where More Than 800 Women Have Been Murdered in a Wave of Gender Violence*, *Aljazeera*, 8 March 2011, available online at <http://www.aljazeera.com/indepth/features/2011/03/201138142312445430.html>.
- Australian Institute of Health and Welfare (AIHW). 2014, *National Key Performance Indicators for Aboriginal and Torres Strait Islander Primary Health Care: Results from December 2013*, Cat. no. IHW 146.
- Azevedo, R. and Cifali, A. C. (in press), *Seguridad pública, política criminal y penalidad en Brazil durante los gobiernos de Lula y Dilma, 2003–2014. Cambios y continuidades* in M. Sozzo, ed., *Postneoliberalismo y penalidad en América del Sur*.
- Baldwin, J. and Bottoms, A. 1976, *The Urban Criminal*. Tavistock.
- Barbaret, R. 2014, *Women, Crime and Criminal Justice*. Routledge.
- Barclay, E., Donnermeyer, J., Scott, J. and Hogg, R. (eds). 2007, *Crime in Rural Australia*. Federation Press.

- Beckert, S. 2014, *Empire of Cotton – A New History of Global Capitalism*. Allen Lane.
- Bosworth, M. and Hoyle, C. (eds). 2011, *What Is Criminology?* Oxford University Press.
- Bottoms, A. 1994, 'Environmental Criminology' in M. Maguire, R. Morgan and R.
- Braithwaite, J. 2013, *Truth, Reconciliation and Peacebuilding*, in R. King, V. MacGill and R. Wescombe, eds, *Peace in Action: Practices, Perspectives and Policies that Make a Difference*. King MacGill Wescombe Publications
- Braithwaite, J. and Gohar, A. 2014, *Restorative Justice, Policing and Insurgency: Learning from Pakistan*, *Law and Society Review*, 48.
- Braithwaite, J. and Wardak, A. 2013, *Crime and War in Afghanistan. Part 1: The Hobbesian Solution*, *The British Journal of Criminology*, 53.
- Briceno-Leon, R., Villaveces, A. and Concha-Eastman, A. 2008, *Understanding the Uneven Distribution of the Incidence of Homicide in Latin America*, *International Journal of Epidemiology*, 37.
- Brisman, A., South, N. and White, R. (eds). 2015, *Environmental Crime and Social Conflict*. Ashgate.
- Brown, M. 2014, *Penal Power and Colonial Rule*. Routledge.
- Carlen, P. 1983, *Women's Imprisonment: A Study of Social Control*. Routledge.
- Carlen, P. 1999, *The Limits to, and Potential of, Feminist and Left Realist Perspectives*, in R. Matthews and J. Young, eds, *Issues in Realist Criminology*.
- Carrington, K. 2015, *Feminism and Global Justice*. Routledge.
- Carrington, K., Hogg, R. and McIntosh, A. 2011, *The Resource Boom's Underbelly: The Criminological Impact of Mining Development*, *Australian and New Zealand Journal of Criminology*, 44.
- Carrington, K., McIntosh, A. and Scott, J. 2010, *Globalization, Frontier Masculinities and Violence: Booze, Blokes and Brawls*, *British Journal of Criminology*.
- Carrington, K. and Scott, J. 2008, *Masculinity, Rurality and Violence*, *British Journal of Criminology*, 48.
- Christopher, E. 2010, *A Merciless Place The Fate of Britain's Convicts after the American Revolution*. Oxford University Press.
- Cleary, P. 2014, *Native Title Contestation in the Pilbara*, *International Journal of Crime, Justice and Social Democracy*, 3.
- Connell, R. 2007, *Southern Theory: The Global Dynamics of Knowledge in the Social Science*. Allen & Unwin.
- Connell, R. 2015, *Meeting at the Edge of Fear: Theory on a World Scale*, *Feminist Theory*, 16.
- Connell, R. and Dados, N. 2014, *Where in the World Does Neoliberalism Come From? The Market Agenda in Southern Perspective*, *Theory and Society*, 43.
- Crofts, T., Lee, M., McGovern, A. and Milivojevic, S. 2015, *Sexting and Young People*. Palgrave Macmillan.
- Cunneen, C. 2001, *Conflict, Politics & Crime, Aboriginal Communities & Police*. Allen & Unwin.

- Donnermeyer, J. and DeKeseredy, W. 2013, *Rural Criminology*. Routledge.
- Forster, C. 1996, *France and Botany Bay The Lure of a Penal Colony*. Melbourne University Press.
- Garland, D. 1990, *Punishment and Modern Society*. University of Chicago Press.
- Garland, D. 2001, *The Culture of Control*. Oxford University Press.
- Gelsthorpe, L. 1989, *Sexism and the Female Offender*. Gower.
- Goodall, H. 1996, *Invasion to Embassy Land in Aboriginal Politics in New South Wales 1770–1972*. Allen & Unwin.
- Green, P. and Ward, T. 2004, *State Crime: Governments, Violence and Corruption*. Pluto Press.
- Gregory, D. 2004, *The Colonial Present*. Blackwell Publishing.
- Grillo, I. 2014, *Mexico's Deadly Narco-Politics*, *New York Times*, 9 October 2014.
- Harkness, A., Baker, D. and Harris, B. (eds). 2015, *Locating Crime in Context and Place: Regional and Rural Perspectives*. Federation Press.
- Hauztinger, S. 2010, *Criminalising Male Violence in Brazil's Women's Police Stations: From Flawed Essentialism to Imagined Communities*, *Journal of Gender Studies*, 11.
- Henne, K. and Troshynski, E. 2013, *Mapping the Margins of Intersectionality: Criminological Possibilities in a Transnational World*, *Theoretical Criminology*, 17.
- Hernández, L. and Grajales, M. L. (in press) , *La cultura penal y el gobierno del Presidente Chavez'*, in M. Sozzo, ed., *Postneoliberalismo y penalidad en América del Sur*. CLACSO.
- Hobbes, T. 1651: 1968, *Leviathan 1651*, edited with an introduction by CB Macpherson *Leviathan*. Penguin.
- Hogg, R. 2002, *Criminology beyond the Nation State*, in K. Carrington and R. Hogg, eds, *Critical Criminology*, Willan.
- Hogg, R. and Carrington, K. 2006, *Policing the Rural Crisis*. Federation Press.
- Ibitissam, B. 2014, *Women and Islam: Myths, Apologies, and the Limits of Feminist Critique*. Lexington Books.
- Iturralde, M. 2010a, *Democracies Without Citizenship: Crime and Punishment in Latin America*, *New Criminal Law Review*, 13.
- Iturralde, M. 2010b, *Emergency Penalty and Authoritarian Liberalism: Recent Trends in Colombian Criminal Policy*, *Theoretical Criminology*, 12.
- Iturralde, M. 2012, *O governo neoliberal de la inseguranca social na America Latina; semelhanzas e diferencias con o Norte Global*, in V. Malaguti, ed., *Loic Wacquant e questao penal no capitalismo neoliberal*. Revam Rio de Janeiro.
- Khan, S. 2003, *Zina and the Moral Regulation of Pakistani Women*, *Feminist Review*, 75.
- Khan, S. 2004, *Locating the Feminist Voice: The Debate on the Zina Ordinance*, *Feminist Studies*, 30.
- Lacey, N. 2013, *Punishment, (Neo) Liberalism and Social Democracy*, in R. Sparks and

- J. Simon, eds, *The Sage Handbook of Punishment and Society*, Sage.
- Laslett, K. 2014, *State Crime on the Margins of Empire: Rio Tinto, the War on Bougainville and Resistance to Mining*. Pluto Press.
 - Lee, M., Crofts, T., Salter, M., Milivojevic, S. and McGovern, A. 2013, 'Let's Get Sexting: Risk, Power, Sex and Criminalisation in the Moral Domain', *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy*, 2.
 - Levin, Y. and Lindesmith, A. 1937, *English Ecology and Criminology of the Past Century*, *Journal of Criminal Law and Criminology*, 27.
 - Livingston, J. 2004, *Murder in Juarez: Gender, Sexual Violence and the Global Assembly Line*, *Frontiers*, 25.
 - Lui, J. 2009, *Asian Criminology Challenges, Opportunities and Directions*, *Asian Journal of Criminology*, 4.
 - McLennan, G. 2013, *Postcolonial Critique: The Necessity of Sociology, Political Power and Social Theory*, 24.
 - Mignolo, W. D. 2008, *The Geopolitics of Knowledge and the Colonial Difference*, in W. Mignolo, I. Silverblatt and Sonia Saldívar-Hull, eds., *Coloniality at Large: Latin America and the Postcolonial Debate*, Duke University Press.
 - Mir-Hosseini, Z. 2011, *Criminalising Sexuality: Zina Laws as Violence Against Women in Muslim Contexts*, *Sur International Journal on Human Rights*, 8.
 - Mohanty, C. 1984, *Under Western Eyes: Feminist Scholarship and Colonial Discourses*, *Boundary 2*, 12.
 - Mohanty, C. 2000, *Cartographies of Struggle: Third World Women and the Politics of Feminism*, in P. Essed and D. Goldbrg, eds, *Race Critical Theories*, Blackwell.
 - Mohanty, C. 2003, *Feminism without Borders: Decolonising Theory, Practicing Solidarity*. Duke University Press.
 - Morris, S. (2012, *Corruption, Drug Trafficking and Violence in Mexico*, *Brown Journal of World Affairs*, XVIII.
 - Müller, M. 2012, *The Rise of the Penal State in Latin America*, *Contemporary Justice Review*, 15.
 - Naffine, N. 1997, *Feminism & Criminology*. Allen & Unwin.
 - O'Malley, P. 2014, *Prisons, Neoliberalism and Neo-liberal states*. Reading Loïc Wacquant and Prisons of Poverty, Thesis Eleven, 3.
 - Overview, World Development Report, World Bank Group, available online at <http://documents.worldbank.org/curated/en/2011/01/14281992/world-development-report-2011-conflict-security-development-overview>.
 - Perry, R. 1996, *From Time Immemorial Indigenous Peoples and State Systems*. University of Texas Press.
 - Potter, H. 2015, *Intersectionality and Criminology: Disrupting and Revolutionizing Studies of Crime*. Routledge.
 - Reiner, eds, *The Oxford Handbook of Criminology*, Oxford University Press.
 - Rahat, I. 2005, *Legal Injustices: The Zina Hudood Ordinance of Pakistan and Its*

- Implications for Women, *Journal of International Women's Studies*, 7.
- Renzetti, C. 2013, *Feminist Criminology*. Routledge.
 - Reynolds, H. 1989, *Dispossession: Black Australians and White Invaders*. Allen & Unwin.
 - Richards, K. 2009, *Rewriting and Reclaiming History: An Analysis of the Emergence of Restorative Justice in Western Criminal Justice Systems*, *International Journal of Restorative Justice*, 5.
 - Ruggerio, V. and South, N. 2013, *Toxic State-Corporate Crimes, Neo-liberalism and Green Criminology: The Hazards and Legacies of Oil, Chemical and Mineral Industries*, *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy*, 2.
 - Rusche, G. and Kirchheimer, O. 1939: 2003, *Punishment and Social Structure*. Transaction Publishers.
 - Ruthven, M. 2004, *Fundamentalism: The Search for Meaning*. Oxford University Press.
 - Sen, A. 2006, *Identity and Violence The Illusion of Identity*. Allen Lane.
 - Shaw, A. G. L. 1966, *Convicts and the Colonies A Study of Penal Transportation from Great Britain and Ireland to Australia and Other Parts of the British Empire*. Faber and Faber.
 - Sozzo, M. 2011, *Transition to Democracy and Penal Policy: The Case of Argentina*. Straus Working Paper 03/11, School of Law, New York University.
 - Sozzo, M. in press a, *Democratization, Politics and Punishment in Argentina, in Punishment and Society. The International Journal of Penology, Special Issue on Democratization and Punishment*.
 - Sozzo, M. in press b, *¿Más allá del "punto de vista dominante"?. Cambio político y giro punitivo en América del Sur*, in F. Tenorio Tagle, ed., *Delito, pena y control social*. INACIPE.
 - Sozzo, M. in press c, *Kirchnerismo y Penalidad en Argentina*, in M. Sozzo, ed., *Postneoliberalismoy penalidad en América del Sur*. CLACSO.
 - Thayer, M. 2010, *Making Transnational Feminism*. Routledge.
 - Tutu, D. 1999, *No Future without Forgiveness*. Rider.
 - UN Women. 2011, *Women's Police Stations in Latin America Case Study: An Entry Point for Stopping Violence and Gaining Access*, available online at http://www.endvavnow.org/uploads/browser/files/security_wps_case_study.
 - United Nations Development Programme (UNDP). 2013, *Human Development Report 2013 The Rise of the South*. United Nations.
 - United Nations Development Programme (UNDP). 2014, *Human Development Report 2014 Sustaining Human Progress: Reducing Vulnerabilities and Building Resilience*. United Nations.
 - Wacquant, L. 2003, *Towards a Dictatorship Over the Poor: Notes on the Penalization of Poverty in Brazil?*, *Punishment and Society*, 5.
 - Wacquant, L. 2008, *The Militarization of Urban Marginality Lessons from Brazilian Metropolis*, *International Political Sociology*, 1.

- Wacquant, L. 2009a, Punishing the Poor. Duke University Press.
- Wacquant, L. 2009b, Prisons of Poverty. University of Minnesota Press.
- Walklate, S. 2015, Whither Criminology: Its Global Future (s) ? Keynote Presentation to the Asian Criminology Conference, June 2015.
- Walters, R. 2013, Eco Mafia and Eco Crime, in K. Carrington, M. Ball, E. O'Brien and J. Tauri, eds, Crime, Justice and Social Democracy, Palgrave MacMillan.
- White, R. 2013, Resource Extraction Leaves Something Behind: Environmental Justice and Mining, International Journal for Crime, Justice and Social Democracy, 2.
- World Bank. 2010, Indigenous Peoples Still among the Poorest of the Poor, Policy Brief, available online at wwwds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2011/10/03/000386194_20111003021020/Rendered/PDF/647600BRI0B0x30ndigenous0clean00421.pdf.
- World Bank. 2011, World Development Report 2011: Conflict, Security, and Development.
- World Population Data Sheet. 2014, available online at <http://www.prb.org/Publications/Datasheets/2014/2014-world-population-data-sheet/data-sheet.aspx> accessed 15 April 2015.
- Wright, M. 2005, Paradoxes, Protests, and the Mujeres de Negro of Northern Mexico, Gender, Place, and Culture, 12.